

# قفسه کتاب

۲۴۲ | ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم | سه شنبه؛ ۲۶ دی ۱۴۰۲

همنشینی با جانباز عباسعلی سعیدی پور از اهالی فین کاشان به بهانه کتاب‌هایی که برای هم‌رزمان شهیدش نوشته است

## جهاد برای هنرمند طایفه کشمشی‌ها ادامه دارد

۴ | <



۲۲

۲۲

۲۲



## چرا جایی که قرآن می خوانند، ترجمه اش را به مردم نمی گویند؟

مراسم رونمایی از «نرم افزار قرآنی» همراه با ترجمه قرآن کریم غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس بنیاد سعدی در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.

حداد عادل در این نشست گفت: انگیزه اصلی بنده از ترجمه قرآن به فارسی این بود که در حد توانم کاری برای سنت شدن ترجمه خوانی در ایران انجام دهم. پیش از صحبت درباره بهترین ترجمه یا این که کدام ترجمه از کلام... خوانده شود، نکته مهم این است که ترجمه قرآن خوانده نمی شود. هزاران جلسه رسمی در ایران با قرآن آغاز می شود و ۹۵ درصد مستمعان هم معنی آیاتی را که تلاوت می شود، نمی دانند. گوش می کنند و از ترتیل بهره می برند و کسی هم سؤال نمی کند معنای این آیات چه بود؟ انگار همه قرار گذاشته اند کسی سؤال نکند. این گویی یک قرارداد است که قرآن برای همین است که عربی آن خوانده و شنیده شود و همه هم بر سر آن اتفاق نظر دارند. بعد هم اعتراض می کنیم که چرا نسل جوان با دین بیگانه است و گفتن رایج محافل دینی ما اسلامی نیست. نمی گوئیم که اصلا کی قرآن را معنی کرده ایم که بخواهیم انتظار داشته باشیم.

حداد عادل ادامه داد: مسأله روخوانی و روان خوانی قرآن باید در پایان ابتدایی به انجام برسد. در قدیم هم این طور بوده و آنهایی که قرآن خوان می شدند در همان کودکی به این مهم دست پیدا می کردند. بعد از روخوانی باید وارد فضای مفهومی قرآن شد که البته ما از این مرحله دور هستیم. تشخیص این بود که ما به ترجمه هایی نیاز داریم که مناسب این مقصود باشد. اهل فضل می دانند، زبان فارسی اولین زبانی است که قرآن به آن ترجمه شده. نزدیک ۱۲۰۰ سال پیش قرآن به فارسی برگردانده شده اما از شدت احتیاط از این که مبدا معانی تحریف شود، همیشه ترجمه تحت اللفظی بر ترجمه معمولی غلبه داشته است.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به تحولات در ترجمه کلام... مجید گفت: یک قرن است که جهش و پرسی در ترجمه قرآن لحاظ و بر مبنای آن دیگر احتیاط ترجمه تحت اللفظی رها شده است. ترجمه هایی عرضه شده در این یک قرن به قصد بیان مفهوم است.

بنده سعی کردم ترجمه ای به دست بدهم که برای فارسی زبانان امروز پسندیده و خوش آهنگ باشد و باستانی و غریب جلوه نکند و درعین حال نثر روزنامه ای و اداری هم نباشد. بهره ای از نثر فاخر داشته باشد که در شأن متون مقدس است.



برای کتابی که درباره شهید حاج قاسم سلیمانی است و مورد توجه واقع شده

## نامزد بی رقیب گلوله ها



ادبیات پایداری که حاصل مستقیم زحمت و رنج دست اوست، برخلاف این سال ها که بیشتر شاگرد پروری می کند و راه نشان ما شاگردهای دور و نزدیکش می دهد و کمتر می نویسد، این بار گیوه ور کشیده به رفتن به کرمان و روستای زادگاه حاج قاسم و به همراه هیأتی، تحقیق میدانی کرده از زادبوم شهید و بعد اسناد و خاطرات و همه گفته ها را راجع به حاجی چیده کنار هم و نامزد گلوله ها را آفریده؛ کتابی که سفر کوتاهی است به زندگی فرمانده شهید و او هرچه در ذخیره تجربه و توان داشته، آورده پای کار کتابی که قهرمانش نامزد گلوله هاست و برای شهیدی که هرچه داشت را نثار عقیده و جهاد و خدا کرد، هر آنچه از هنر نوشتن می دانسته را آورده پای کار.

با جملاتی که در عین سادگی و کوتاهی، وقتی می خوانی شان در ذهنت شکافته می شوند و هر جمله چند شاخه می سازد مثل شجره طیبه که فرمود: «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»

### کتاب سازی بی نظیر

کتاب سازی بی نظیری که طبعاً به هدایت و راهبری استادمان آقا مرتضی سرهنگی صورت گرفته را بی مثل و مانند یافته ام و لنگه اش را بیشتر در هیچ کتابی نه دیده و نه خوانده بودم. خط کشیدن زیر جملات مهم که قضا را برگرفته از سبک کتاب خوانی شهیدمان الگوبرداری شده را و آوردن عکس کوچکی از کسی که بین خطوط اسمش آورده می شود و خط کشیدن روی بعضی کلمات و جملات، انگار که بنا دارد کتاب را آسان تر و زود هضم تر برای پیش بکشد و شوق خواندن و با لذت و به طرز تصویر خواندن را در مخاطب قلقلک بدهد.

ورود شهیدمان به معرکه افغانستان و یاری به گروهی از اهل سنت در برابر توحش طالبان در زمستان ۱۳۷۵ وقتی هنوز جوهر امضای حکم فرماندهی سپاه قدس خشک نشده بود، استادانه روایت شده و چند جای کتاب اطلاعاتی قبل از منتشر نشده، منتشر شده که بر جذابیت کتاب افزوده است.

کتاب یکی از بهترین های نشر پرکار و خوب کار خط مقدم است که در زمانی کوتاه به چاپ های مجدد و فراوان رسیده و ما در خوی توفیق داشتیم که همزمان با چهارمین سالگرد شهید، جلسه برای معرفی و ترویجش بگذاریم و حیف که استادمان، آقای سرهنگی در پاسخ به دعوتش به جلسه گفت که «بالا جانیم چه میرا و از سفری» (پسرم، جان سفرهای طولانی برابرم نمانده). و از فیض حضورش در خوی و بودنش در جلسه معرفی آخرین بارش قلمش محروم شدیم و تبلیغ نامزد گلوله ها در چهارمین سالگرد پیروزی آن نامزد بی رقیب گلوله ها در معرکه شهادت و بی حضور نویسنده اما با شور و حال و یاد شهیدمان در سالن شهید برگزینی شهرداری برپا شد.

زحمت تهیه و رساندن کتاب ها به جلسه را دوست بلاگر کتابم، صالح مدرس زاده کشید از مشهد که سلام خدا بر او و همه مجاوران و زائران امام رئوف مان باشد.

حسین شرفخانلو

نویسنده



۱۱ سال پیش وقتی قرار شد شهرمان میزبان دو شهید گمنام شود، یکی از بچه های کمیته تفحص و جست و جوی مفقودین، همراه پیکرها آمد خوی و انگار که رتق و فتق امور مربوط به روز تشییع و تدفین را به عهده داشته باشد، من و یکی دو تای دیگر از بچه ها را کشید کنار تا آخرین تدابیر و هماهنگی ها را انجام دهد و اول کلامش این بود که «این دو شهید از اولیای خاص خدا هستند و رفیق درجه یک خدا به حساب میان و بزرگ ترین سرمایه شون رو بادوست شون، خدا معامله کردن و هرچی داشتن دادن؛ پس ما هم باید هرچی داریم و بلدیم براشون مایه بذاریم!» آن تشییع علاوه بر هزار و یک خاطره و آموخته خوب، این جمله درخشان را سال هاست که در ذهنم حک کرده و هر بار که پای کار شهید وسط باشد، علامتش در وسط فکرم ظاهر می شود و راه بهتر را نشانم می دهد.

این آموخته و آن جمله، مقدمه باشد برای معرفی کتاب «نامزد گلوله ها» که آخرین نوشته استاد بزرگ، مرتضی سرهنگی است برای آخرین سپهبدی که از نظامی های ایرانی شهید شد؛ شهید خوش عاقبت مان حاج قاسم سلیمانی که نویسنده، تمام آنچه را داشته، چیده و گذاشته توی طبق اخلاص.

### عنوان جذاب

عنوان کتاب به حد کافی جذاب است و البته اشاره دارد به اصرار دوستان و هوادارانش که در سال ۱۳۹۶ ترغیبش می کردند وارد گود سیاست و انتخابات ریاست جمهوری شود و او باتمام فروتنی که داشت و باتمام اخلاصش پاسخ داده بود «من نامزد گلوله ها هستم» و عذر خواسته بود از نامزدی برای رئیس جمهور شدن و حضور در عرصه انتخابات و این سان، سیاست و سیاهی سیاست را به اهلیش هشته بود.

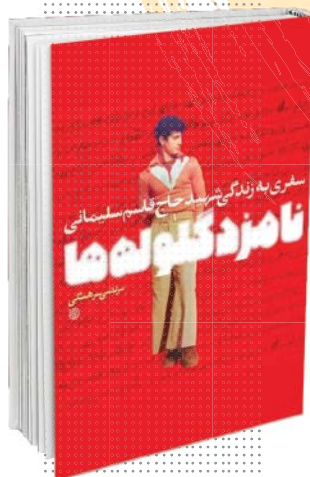
علاوه بر عنوان جذاب، رنگ غالب سرخ در جلد که نشان خون است و در آثار تولید شده راجع به فرمانده شهیدمان خوب رخ می نماید، بر گیرایی جلد کتاب افزوده و تک عکس کتاب که تصویری از جوانی شهیدمان است با هیأت و هیبت جوانان قبل انقلاب با موهای بلند و فرفری و پیراهن یقه خرگوشی و شلوار دمپا گشاد که قضا را سال ۵۸ وقتی داوطلب عضویت در سپاه شده بود، به همین هیأت و هیبتش گیر داده بودند دوستان گرینش سپاه و عذر عدم ظاهر مناسب خواسته بودند از سیدالشهدای سپاه خمینی.

### همه هنر نوشتن

برگردم به مقدمه ای که گفتم و بگویم که مرتضی سرهنگی که خدا به طول عمرش، برکت بدهد به جریان شکوفا و پویای



سوتیتر







آنچنان که در توضیح پشت جلد کتاب «یادستان دوران» خاطرات حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای آمده است: روایتی در بیان حالات و سرگذشت افراد خواندنی است و بیانش از تعامل با گروه‌ها، احزاب و دسته‌های درون زندان قصر، بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ اهمیت دارد که نمی‌توان به سادگی از کنارش گذشت؛ آنچنان که نمی‌توان روایت بی‌واسطه‌اش از تحصن روحانیان در دانشگاه تهران و نیز سخنرانی امام در بهشت زهرا را نادیده گرفت و این همه نشان از اهمیت خاطراتی دارد که باید ثبت و تدوین می‌شد و انتشار یافت. در ابتدای کتاب، متن یادداشتی به صورت دستخط آمده است، سیدهادی خامنه‌ای خود به این نکته اشاره می‌کند که از سوی واحد تاریخ شفاهی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی از او خواسته می‌شود تا بخشی از خاطراتش را که عمدتاً معطوف به مبارزات سیاسی منتهی به انقلاب اسلامی است و مستقیم یا به‌طور نسبی در آنها حضور و فعالیت داشته است نقل کند تا در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان به انقلاب و تاریخ معاصر قرار گیرد. وی همچنین در این یادداشت تأکید می‌کند: «اگر تاریخ انقلاب را یک پازل فرض کنیم، خاطرات مبارزان و شاهدان وقایع، به شرط آن‌که واقعی باشد و به دور از اغراق یا احيانا ساختگی بودن بیان شود (متأسفانه بعضی‌ها در بیان خاطرات به جای دیگران در مرکز وقایع قرار گرفته و خود را در آن مونتاژ می‌کنند)، می‌تواند قطعات تکمیل‌کننده آن پازل به‌شمار آید و کار تحلیل و نتیجه‌گیری تاریخی را ساده‌تر کند.

بدون تردید، جمع‌بندی اجزای این پازل برعهده کسانی است که مسئولیت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی را پذیرفته‌اند.

گرچه روشن است هیچ‌گاه تاریخ، بدون دخالت نگاه و جهان‌بینی مورخ، نوشته نشده است و کسانی که مدعی بی‌طرفی مورخان هستند، هرگز در اثبات این ادعا موفق نبوده‌اند!

محمد قبادی که حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای در پایان یادداشت‌اش به دقت و صوری وی در تنظیم متن و نگارش این کتاب اشاره می‌کند، در مقدمه‌اش می‌نویسد: «گاهی پیشنهادها آن قدر دلچسب و جذاب‌اند که نمی‌شود در آنها تأمل نکرد و تصمیم به اجرای آنها نگرفت. پیشنهاد تدوین خاطرات سیدهادی خامنه‌ای برای من بی‌تردید از همان هاست.»

کتاب یادستان دوران در بهار ۱۴۰۰ توسط انتشارات سوره مهر در ۶۸۰ صفحه و شمارگان ۱۲۵۰ نسخه منتشر شده است.

گفتاری از علی رمضانی، مدیرعامل موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران

## حاشیه‌های خواندنی از نمایشگاهی که هر سال در آن شرکت می‌کنیم



سوتیتر

عنوان کتاب چاپ اولی در دسترس است و مخاطب نمی‌داند دقیقاً چه چیزی بخواند و از کجا شروع کند. ممکن است فردی با کتابی که از لحاظ حجم و ادبیات و سایر مولفه‌ها برایش مناسب نیست کتاب خواندن را شروع کند و نسبت به ادامه مطالعه کتاب، بی‌ربط شود. مردم اگر بدانند باید چه کتابی بخوانند، حتماً کتاب می‌خوانند. در خانه کتاب و ادبیات ایران و خاصه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تلاش بر این است که راهنمایی لازم برای خواندن کتاب مناسب به مردم انجام شود.

### ■ ساختار نوپدید؛ مثل مشاور کتاب

برای فهم بیشتر نقش مشاور کتاب این مثال را خدمت‌تان عرض می‌کنم؛ مثلاً برای یک پدر یا مادر نیازی ایجاد می‌شود که فرزند وی نسبت به خواهر و برادر خودش پرخاش دارد و برای حل این مشکل به دنبال راه‌حلی از دل کتاب‌های موجود است؛ در اینجا نقش مشاور آغاز می‌شود. مشاور کتاب یک پله بالاتر از راهنمای کتاب است. راهنما در ساختار نمایشگاه تثبیت شده است و آدرس ناشرها و غرفه‌های مختلف را به بازدیدکنندگان می‌دهد؛ اما مشاور کتاب سعی می‌کند سؤالی که هر مخاطب دارد با معرفی کتاب مناسب پاسخ دهد. امسال به‌طور گسترده مجموعه مشاوران در نقاط مختلف نمایشگاه مستقر شدند و طبیعی است یک ساختار نوپدید مثل مشاور کتاب در هیاهوی نمایشگاه خیلی مورد توجه کافی قرار نگیرد که البته باید در اینجا ذکر کنم در همین امسال هم حجم مراجعه به مشاوران کتاب قابل توجه بوده است و اگر اندکی بیشتر می‌شد، شاید همکاران ما در مجموعه مشاوره، یارای پاسخگویی به مراجعان را نداشتند. البته لازم است اشاره کنم این نکته که مردم می‌توانند برای انتخاب کتاب‌ها به مشاوران مراجعه کنند اطلاع‌رسانی عمومی نشده بود.

### ■ سهم مشاوره بیشتر خواهد شد

طبیعتاً ما در حال ارزیابی درباره وضعیت حضور مشاوران کتاب در نمایشگاه هستیم و این بررسی‌ها در حال انجام است تا در نهایت به این جمع‌بندی برسیم که تا چه میزان می‌توان این ابتکار را عمومی کرد. البته سؤالی مطرح است که آیا در عادت رفتاری ما رفتن به سمت مشاوران کتاب نهادینه شده است یا اینکه در رفتار ما مقاومتی نسبت به این موضوع وجود دارد؟ بعضاً در رفتار عمومی مردم این تصور وجود دارد که خود فرد بهتر می‌داند سمت چه کتابی برود و نیازی به مشاور ندارد و این تصور عادت عمومی ماست و در خرید دیگر کالاها نیز وجود دارد. با این حال ان شاء... در سال آینده و در دوره سی و پنجم نمایشگاه کتاب تهران سهم مشاوره بیشتر خواهد شد و به تدریج می‌تواند سهم خود را در انتخاب درست مردم ایفا کند. / گفت‌وگو: محمدحسین خدایی (هنرآنلاین)

ارتباط مردم با دست‌اندرکاران حوزه کتاب مهم‌ترین وجهی است که باید در برگزاری نمایشگاه کتاب تهران تقویت شود. احتمالاً مخاطبان نمایشگاه امسال، غرفه کوشک کتاب را که در کنار محراب در شبستان اصلی بود مشاهده کرده‌اند. غرفه‌ای که در راستای اهداف فرهنگی نمایشگاه بود؛ به علاوه غرفه‌های نقد کتاب هم از طبقه دوم به شبستان اصلی منتقل شد. این اقدامات اولین اقداماتی است که به واسطه آنها می‌توان وجه فرهنگی نمایشگاه کتاب تهران را تقویت کرد.

### ■ ۱۰ هزار برنامه در یک نمایشگاه

ما در بازنمایی حوزه فعالیت‌های فرهنگی نمایشگاه ضعف داریم که طی دو سال اخیر این مسأله آسیب‌شناسی شد و تلاش کردیم آن را برطرف کنیم. طی یازده روز نمایشگاه حجم برنامه‌هایی که در دل نمایشگاه و غرفه‌های ناشران برگزار می‌شود، بسیار زیاد است و عدد آن چیزی حدود ۱۰ هزار برنامه می‌شود. بخش کتاب آرای روزانه حدود پنج یا شش برنامه برگزار می‌کرد و همزمان با این غرفه، سه یا چهار سالن دیگر در همان شبستان برنامه برگزار می‌کردند. بیرون از شبستان هم در سالن کتاب‌های دانشگاهی، کودک و نوجوان، بین‌الملل و آموزشی هم نشست‌های مختلفی برگزار می‌شد.

### ■ بازنمایی در فعالیت‌های فرهنگی نمایشگاه

یکی از مسائلی که باعث می‌شود نمایشگاه کتاب تهران جایگزین نداشته باشد همین چهره به چهره شدن به شکل مستقیم با مخاطب است. انتقال لحن و زوایای مختلف سخن اهدافی است که با نمایشگاه مجازی محقق نمی‌شود. بنابراین مسأله بازنمایی در فعالیت‌های فرهنگی نمایشگاه بسیار جدی است. طی دو سال اخیر در برگزاری نمایشگاه تلاش کردیم تا فعالیت رسانه‌ای نمایشگاه گسترده‌تر از قبل شود که این مسأله در تعامل بیشتر با صداوسیما نمود داشت.

### ■ تلویزیون کتاب، زاینده نمایشگاه کتاب

تلویزیون اینترنتی کتاب، زاینده نمایشگاه کتاب تهران است. تلویزیون اینترنتی کتاب از معدود شبکه‌هایی است که خود، کنداکتور محتوایی مستقل دارد و بخشی از این کنداکتور محتوایی، پخش نشست‌هایی است که در دوره فعالیت نمایشگاه برگزار شده اما در هیاهوی برگزاری نمایشگاه دیده نمی‌شود. در واقع زمان ۱۰ تا ۱۱ روزه برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، خود یک کارخانه محتوایی است که محصولات آن باید در طول سال مورد استفاده قرار گرفته و بازتولید شود.

تصور ما این است که روند ارتباط بهتر نمایشگاه با رسانه‌ها و مردم در سال‌های آینده بهتر خواهد شد؛ می‌توان گفت، فعالیت فرهنگی نمایشگاه با اتفاقاتی مثل گوشه نقد، کوشک کتاب و امثال این اقدامات و بازنمایی‌ها تثبیت شد.

### ■ تلاش برای معرفی درست کتاب‌ها

یکی از ایده‌هایی که به تقویت بعد فرهنگی نمایشگاه کمک می‌کند، حضور مشاوران کتاب در این محفل فرهنگی است. بعد از انتشار کتاب، موثرترین اتفاق در انتخاب مردم، معرفی کتاب است. خانه کتاب و ادبیات ایران هم تلاش دارد معرفی درستی از کتاب‌ها داشته باشد. مهم‌ترین مسأله در حوزه کتاب در کشور عدم معارفه مناسب کتاب است تا جایی که اگر به کسی گفته شود که کتاب بخوان در واقع او را وارد وادی سرگردانی کرده‌ایم؛ چرا که در یک سال نزدیک به هفتاد هزار






همنشینی با جانباز عباسعلی سعیدی پور از اهالی فین کاشان به بهانه کتاب‌هایی

# جهاد برای هنرمند طایفه کاش



**میثم رشیدی مهرآبادی**  اشاره: کم نیستند ایناگران و آزادگانی که بعد از دوران دفاع مقدس، تلاش کردند تا به نحوی ایثار و فداکاری هم‌زمان‌شان را در آن روزهای خون و حماسه، ثبت و ضبط کنند. برخی صدای‌شان را ماندگار کردند و خاطرات‌شان را به صورت صوتی و شفاهی بیان کردند و برخی دیگر که دست به قلم بودند، در این باره، نوشتند و نوشتند. جانباز عباسعلی سعیدی پور یکی از آن رزمندگان است که پس از بازنشستگی از سپاه پاسداران تصمیم گرفت در شاخه فرهنگ و هنر و رسانه تحصیل کند و فعالیت‌هایش را ادامه دهد. او چند کتاب درباره دفاع مقدس نوشته و کار در این زمینه را همچنان ادامه می‌دهد. با او و خانواده‌اش در کافه کتاب زیتون همنشین شدیم و درباره کتاب‌ها و یاران شهیدش گفت و گو کردیم. از جناب آقای حمید محمدی محمدی، مدیرکل فرهنگی خبرگزاری فارس که در این گفت و گو همراه ما بودند، سپاسگزاریم. حاصل این گفت و شنود پیش روی شماست.

**۱] آیا شما پیش از کتاب «نگاه عاشقانه» هم کتابی نوشته‌اید؟**

یک کتاب در ارتباط با شهدا و حضرت سلطان علی بن امام محمد باقر (ع) به نام «بر بال افلاکیان».

**۲] در مقدمه همین کتاب هم به آن اشاره کرده‌اید...**

بله، این را فراهم کرده بودیم که در آن زمان نخستین کتاب با این موضع بود. سراغ هر خانواده شهیدی که می‌رفتیم و تقاضای وصیت‌نامه می‌کردیم، نداشتند. در منطقه فین کاشان، جلساتی با این خانواده‌ها برگزار می‌شد، هر سه شنبه دعای توسل در منزل یک شهید بود. متوجه شدیم خود خانواده‌ها هم وصیت‌نامه ندارد. تصمیم گرفتیم که برنامه‌ای انجام بدهیم و دنبال کار را بگیریم و سه سال و نیم طول کشید تا وصایا، زندگینامه و تصاویر شهدا در منطقه فین کاشان گردآوری شد.

**۳] این منطقه چند شهید دارد؟**

۶۲ شهید دارد و خصوصیات خاصی در ارتباط با شهدا وجود دارد. به حول و قوه الهی و با یاری شهدا این کار را انجام دادیم و حاصلش شد کتاب «بر بال افلاکیان». ابتدا در رابطه با حضرت سلطان علی بن امام محمد باقر (ع) کار کردیم، چون اولین شهید در منطقه فین و دعوت شده مردم فین حضرت سلطان علی بوده است. و اولین شهید از ائمه در ایران است که نماینده دو امام و فرزند امام و ابوزوجه امام موسی کاظم (ع) هستند. ایشان اولین امام جمعه ایران و اولین فرزند امام در ایران بودند که در سال ۱۱۳ هجری قمری به ایران آمدند. کل مطالب درباره حضرت سلطان علی از دعوت تا شهادت در همین کتاب آمده است، چون ایشان شهید است و در کنار ایشان از پنج نفر از کسانی که از فین با حضرت رفته بودند و شهید شده‌اند هم یاد کرده‌ایم. این افراد، شهدای فین در آن زمان هستند.

سپس وقایع جنگ تحمیلی را آوردیم و از شروع جنگ تا انتهای جنگ را یاد کرده و سپس شروع به جمع‌آوری وصایا و زندگینامه شهدا کردیم. این کار با برنامه‌ریزی خاصی انجام شد. در برخی از کتاب‌ها می‌بینید که از اول تا آخر کتاب عکس شهادت و فقط عکس‌ها زینت داده می‌شود. ولی ما برای هر شهیدی طرحی پیاده کرده‌ایم. یعنی هر شهیدی یک قاب مخصوص به خود دارد.

یکی از کارها این بود که شهدا را به ترتیب زمان شهادت در کتاب معرفی کردیم تا این طور نباشد که کسی گله کند که عکس شهید ما را آخر گذاشته‌اید. در این مسائل برخی توقعاتی دارند و ما کار را به این صورت ارائه کردیم.

میانگین سنی شهدای فین ۱۹ سال است. کوچک‌ترین شهید ما ۱۵ ساله است و کهنسال‌ترین شهید ما ۷۱ سال داشته. ۱۷ شهید فین مفقودالآثر هستند. هنوز جنازه سه شهید فین نیامده است و خبری از آنها نیست. فین دو بانوی شهید دارد؛ یک نفر شهید بمباران شهر کاشان و دیگری شهید حجاب در مسجد گوهرشاد است. تنها شهید حجاب مسجد گوهرشاد در شرق ایران شهید «محترم بانو

قاضیان» است که از اقوام ماست و در امامزاده قاسم در جوار شهدا دفن است.

پیام‌های سه امام جمعه کاشان، آیت‌ا... یثربی، آیت‌ا... نمازی و آیت‌ا... شهید سلیمانی هم در کتاب آمده است. در مورد شهید مسجد گوهرشاد بسیاری ان قلت داشتند که آیا ایشان شهید است یا نیست که آیت‌ا... نمازی حکم داد که ایشان یکی از شهداست. کتاب افلاکیان را در قطع وزیری، در جلد گالینگور و با کاغذ گلاسه تمام رنگی چاپ کردیم. کار در انتشارات نوین کاشان چاپ شد. کتاب بین خانواده شهدا و همچنین تعدادی از مسئولان هم توزیع شد. این کتاب توسط امام جمعه وقت کاشان شهید آیت‌ا...

سلیمانی، فرمانده سپاه و مسئولان ارشاد در یادواره شهدای فین کاشان و در جوار شهدای فین در امامزاده ابراهیم (ع) رونمایی شد.

**۴] با این‌که وارد عمق تاریخ شده‌اید اما امیرکبیر را شهید فین ندانسته‌اید! با این‌که فین سابقه بالایی دارد ولی شخصیت امیرکبیر در معرفی این منطقه نقش مهمی داشته و دارد...**

درست می‌فرمایید، ولی چون اصالتا اهل فین نبودند در کتاب نیامده است ولی ایشان از شهدای فین هستند و شاید در چاپ بعدی ایشان را هم اضافه کنیم.

وقتی کتاب را به خانواده شهدا دادیم، خانواده شهید جواد نجیبیان فینی بعد از ملاحظه کتاب بر آن شدند که برای شهید‌شان کتابی مستقل آماده کنند و از ما خواستند. با توجه به این‌که ما هم‌رمز شهید بودیم و از خصوصیات و ویژگی‌های این شخص اطلاعاتی داشتیم قبول کردیم و افتخاری نصیب ما شد و توانستیم این کار را انجام بدهیم.

پدر و مادر شهید از دنیا رفته‌اند و برادر شهید هم فوت کرده است. برادر شهید در مکه و در لباس احرام از دنیا می‌رود. وقتی این کتاب را قبول کردیم دو سال این کار طول کشید چون من ساکن تهران هستم و هر وقت برای تحقیق و مصاحبه می‌رفتم از خانواده و بعد از همسایگان و همکاران و هم‌زمان شهید گفت و گو می‌گرفتم. همچنین از معلمان شهید از مدارس ابتدایی تا دبیرستان شهید محمد نراقی کاشان که شهید در رشته فنی و حرفه‌ای و شاخه برق آنجا تحصیل کرده بود.

شهید جواد نجیبیان متولد اول فروردین ۱۳۴۳ بود و در ۲۴ تیر ۱۳۶۱ در عملیات رمضان و در منطقه شلمچه در حالی که

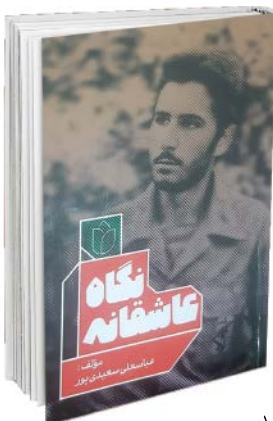
جانشین فرمانده گروهان بود، به شهادت رسید. در مصاحبه‌هایی که گرفتیم تحت تأثیر صحبت افراد قرار می‌گرفتیم. تعدادی از مصاحبه‌شونده‌های ما در فین بودند و برخی دیگر در تهران و کرج و کاشان و اصفهان بودند و من به تمام این شهرها رفتم. برای گرفتن مدارکی از فرماندهان به اصفهان می‌رفتم. عکس‌هایی تهیه کرده بودم که خانواده هم آنها را ندیده بودند. حدود ۴۰-۵۰ عکس جمع‌آوری کردم که تعداد کمی از عکس‌ها که مهم‌تر و قابل توجه‌تر بودند در کتاب آمده است.

شهید، پاسدار و در استخدام سپاه بود. پیرونده شهید را از ایناگران سپاه گرفتیم و تمامی مدارک قابل استفاده را از پرونده خارج کردیم. کارت‌های شناسایی، حکم‌های مأموریت و سایر برگه‌ها استخراج شدند. حتی سئوالاتی که در تحقیقات گزینش سپاه از ایشان پرسیده بودند را در کتاب آورده‌ام. وقتی به سئوالات نگاه می‌کنید در قد و قواره دانش یک جوان ۱۸ ساله نیست.

**۵] از این نظر کار تحقیق در مورد شهدای دفاع مقدس بسیار سخت است. پدر و مادر به رحمت خدا می‌روند و حافظه بازماندگان برای گفتن جزئیات یاری نمی‌دهد...**

موارد خاصی در این مصاحبه‌ها پیش آمده که در کتاب آورده‌ایم. نکات زیاد است. یک مورد خاطره‌ای از من و شهید است. ما در یادگان امام حسن تهران (اسب‌دوانی) که امروز لشکر محمد رسول... (ص) آنجا مستقر است، بودیم. با هم بودیم و قرار شد من به مریخی بروم. شهید به من گفت عباس! حتماً به خانه ما برو، من یک خواهر کوچک دارم، سلام من را به او برسان و به او بگو حجاب را رعایت کن، فراموش نکنی، برادرت خیلی دوستت دارد. وقتی من رفتم مرحوم مادر شهید من را مثل پسرش می‌دانست و به خانه دعوت کرد و دخترش مریم را صدا زد که بیا برادرت برایت پیغام فرستاده است. آمد و من پیغام را دادم. ابتدا مادر شهید و بعد پدر شهید به رحمت خدا رفتند.

یک شب مادر شهید در خواب می‌بیند که دو تخم‌مرغ در دست دارد و یکی می‌افتد و می‌شکند. دو تخم‌مرغ، دو پسرش بودند. صبح که خوابش را برای همسرش تعریف می‌کند، پدر شهید می‌گوید من هم خواب دیده‌ام دندان آسیای من افتاده است. مادر شهید می‌گوید به دلشوره افتاده بودم که در خانه را زدند دو سپاهی پشت در بودند و خبر مجروح شدن جواد را به ما دادند. پدر شهید می‌روند و متوجه می‌شوند جریان از چه قرار است. در



سوتیتر



## جواد

## جای همکلاسی اش امتحان داد!

در ارتباط با با شهید جواد نجیبیان اضافه کنم که او از هر لحاظ در وجودش از نظر گذشت و شجاعت و... زیانزد بود. خواهر شهید می‌گوید وقتی من را پشت موتور سوار می‌کرد، می‌دیدم هر جادگر زنی رد می‌شود، چراغ موتور را خاموش می‌کرد که شاید نورش به صورت خانم بیفتد، چون نمی‌خواست نامحرم را ببیند؛ این قدر مقید بود. شهید مدتی در دو چرخه‌سازی کار می‌کرد و دستمزدش را خرج کار فرهنگی می‌کرد. کارهایش در سبک کلاس قرآن و بردن بچه‌ها به اردو... بود.

با این خلق و خود دل مردم جا گرفته بود. دوست شهید نقل می‌کرد شهید می‌گفت اگر به سینما رفتی رفیق من نیستی، اگر سیگار در دستت ببینم، رفیق من نیستی. معلمان شهید از توجه خاص او صحبت می‌کردند که وقتی اذان می‌گفتند، اجازه می‌گرفت و برای نماز می‌رفت و درسش را هم می‌خواند.

یکی از معلمان دبیرستانش می‌گوید در امتحان پایان دوره، برگه را داد و سریع رفت. دیدیم برگه اسم دارد ولی اسم جواد نیست. گفتم این اسم کیست؟ گفته بود این دانش آموز غیبت کرده، مادرش مریض است و او را برای درمان به شهرستان برده است. اگر در این امتحان قبول نشود، مشکلاتش بیشتر می‌شود و به همین دلیل اسم او را نوشته‌ام. معلم ایشان آقای یزدآبادی این خاطره از شهید را در کتاب نقل کرده است.

در رابطه با اسم که چرا نام «نگاه عاشقانه» را انتخاب کرده‌ام، باید بگویم وقتی به تصاویر شهید توجه می‌کنید، از عکس‌های قبل از جبهه تا عکس‌های پاسداری شهید در جبهه، تمام نگاه او متوجه به دست راستش و بالاست. شهید حتی در عکس‌های پرسنلی‌اش چنین نگاهی دارد و به سوی خاصی می‌نگرد. نوع و حالت نگاهش عاشقانه و خاص است. اسم کتاب بر این مبنا انتخاب شده است. من در زمان شهادت ایشان در منطقه بودم. سال ۱۳۶۱ بود. وقتی متوجه شدم برای مراسم او آمدم. جواد یکی از فعالان فرهنگی بود. از زمانی که انقلاب در حال وقوع بود، در کار پخش اعلامیه‌های حضرت امام، دیوارنویسی و تظاهرات بود و در تمام برنامه‌ها نقش داشت.

جلسه دعای کمیل برگزار کرده بودند که ایشان یکی از موسسان آن بود. وقتی از جلسه خارج می‌شوند شش دوست که می‌خواستند به جبهه بروند در کنار هم قرار می‌گیرند و این سوال را مطرح می‌کنند کدامیک از ما زودتر شهید می‌شود؟ اولین کسی که از این جمع شهید می‌شود جواد است بعد شهید حنا سب و بعد شهید هیزمی و... از آن جمع فقط یک نفر زنده می‌ماند، که یکی از دوستان ماست.

# مشمی‌ها ادامه دارد

که برای هم‌زمان شهیدش نوشته است



## سوتیتر

۱۰۰ خاطره در رابطه با ۱۰۰ شهید که با آنها هم‌زم بودم و به طور مستقیم با هم بودیم نوشته‌ام. این شهدا از بچه‌های فین یا از شهرهای دیگر بودند. حتی درباره حاج قاسم سلیمانی و شهید حجت‌الاسلام سیدعباس موسوی و دیگر فرماندهان هم خاطراتی نوشته شده است. این کار برای چاپ تدوین شده و در برنامه کاری من است.

کار دیگری در دست آماده‌سازی است که درباره شهیدان کشمشی است. فامیلی ما قبلاً کشمشی بود. نام طایفه ما کشمشی است و بعد نام خانوادگی را به سعیدی پور تغییر دادیم. شش نفر از بچه‌های طایفه ما شهید شده‌اند. یک اسیر و آزاده داریم و جانباز در این طایفه بزرگ زیاد است. کتابی با این موضوع در حال آماده‌سازی است. دو جانباز فوت شده داریم که بنیاد پرونده آنها را نپذیرفت که یکی اخوی خود من است، حاج علی‌آقای سعیدی پور و دیگری غلامرضا سعیدی پور است.

کتاب شهید جواد نجیبیان بر مبنای چند بخش است. یکی بعد فرهنگی شهید است و دیگری بعد اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی شهید و فصل شهادت ایشان، نگاه نسل امروز، نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها و آلبوم.

آیا آثار شهید را مطالعه می‌کنید؟

بله، کتابی را دو روز گذشته تمام کردم بانام خاطرات ریزه‌میزه که مربوط به یکی از رزمندگان منطقه کاشان بود.

آیا علاقه شخصی باعث شد به سمت کار تألیف کتاب بروید؟

در حقیقت این فرهنگ در وجود ما است. مدرک تحصیلی من هم کارشناسی ارتباطات باگرایش روابط عمومی است.

برخی جانبازان و ایثارگران در حال فاصله گرفتن از خاطرات دفاع مقدس هستند. آیا برنامه‌ای برای ثبت خاطرات آن بزرگواران دارید؟

من چند کار را با هم انجام می‌دهم؛ یکی از کارهای من همین است که خاطرات رزمندگان را می‌گیرم و هم خاطرات شهید از آن رزمنده را ثبت می‌کنم. نگاهی دو وجهی دارم و این طور پیش می‌روم.

با گذشت به خانه به مادر شهید می‌گویند خواب ما تعبیر شده است و خبر را اینطور به مادر می‌دهند که جواد شهید شده است! جواد در جبهه و در عملیات رمضان در لشکر امام حسین (ع) بود و برادر وی در ارتش خدمت می‌کرد. این دو برادر از هم خبر نداشتند ولی در یک منطقه بودند. وقتی جواد شهید می‌شود به دوستان حسین خبر می‌دهند و از طریق ردیف کردن برنامه مرخصی برای حسین، او را به خانه می‌فرستند ولی کسی خبر را به او نمی‌گوید. حسین در مسیر بازگشت به خانه وقتی به سر کوچه می‌رسد حجله برادر را می‌بیند.

بعد از پیروزی انقلاب شما جذب کمیته شدید یا بسیج؟

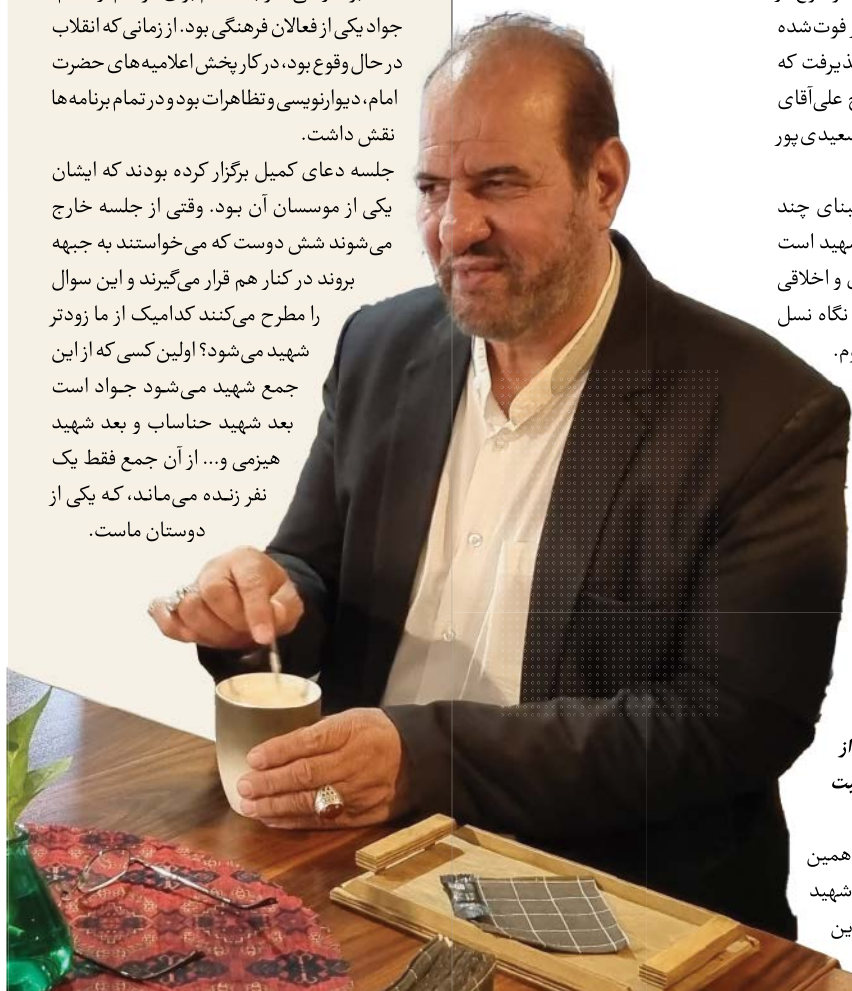
من به بسیج رفتم. عشق و علاقه عجیبی به بسیج داشتم ولی ما را به بسیج راه نمی‌دادند. می‌گفتند سن شما کم است ولی من به هر طریقی که بود آموزش بسیج را طی کردم. وقتی برای آموزش عمومی بسیج رفتم، لباس نداشتم. پدر من به کارخانه ریسندگی می‌رفت. از لباس کار کارخانه که بلوز و شلوار سرمه‌ای رنگ بود گرفتم و از کسانی که قبلاً به سربازی رفته بودند پوتین گرفتم و وارد آموزش شدم.

دوره آموزشی در قمصر بود. بعد از اولین دوره آموزشی در بسیج مشغول شدم. برای رفتن به جبهه تلاش زیادی کردم چون اجازه نمی‌دادند. از بسیج فاصله نمی‌گرفتم تا اجازه بدهند. تلاش زیادی کردم تا

بالاخره سال ۱۳۶۰ اجازه دادند و من به جبهه رفتم. اولین اعزام من در این سال بود. آموزش دیدم و اسکان گرفتم و این روال ادامه پیدا کرد تا این که سال ۱۳۶۲ عضو سپاه شدم و شش ماه در پادگان امام حسن مجتبی (ع) بودم و عهده‌دار کارهایی بودیم و بعد به جبهه رفتیم. سال ۱۳۶۲ استخدام شده بودیم و در اولین مأموریت به سیستان و بلوچستان رفتیم و حدود یک سال آنجا بودیم. بعد به کردستان و بعد به جبهه‌های غرب اعزام شدیم. دی ماه همان سال که عضو سپاه شدم، ازدواج کردم. یکی از برادرهای من که رزمنده و جانباز دفاع مقدس بود، در زمان کرونا به رحمت خدا رفت. ایشان هفت سال راننده آیت‌الله یثربی، امام جمعه کاشان بود. در عملیات کربلای ۸ من و پدر و دو نفر از برادرهایم چهار نفری در جبهه بودیم.

درباره کتاب صحبت کنیم. آیا خاطرات خودتان را هم در کتابی نوشته‌اید؟

بله خاطرات خودم را نوشته‌ام و مقداری پیش رفته است. حدود





## درباره جنگ ۳۳ روزه است

برنامه گفت و گو محور جلد دوم از شبکه کتاب با حضور هاشم نصیری، نویسنده کتاب «سی و ۳» پخش شد.

این کتاب روایت اتفاقات قبل و بعد جنگ حزب... علیه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ و حول حضور شهید حاج قاسم سلیمانی در روزهای نفسگیر جنگ ۳۳ روزه لبنان است. این کتاب دومین اثر نویسنده است که از سوی انتشارات کتابستان به چاپ رسیده است.

نصیری درباره ایده نگارش و دلیل انتخاب اسم کتاب «سی و ۳» بیان کرد: این کتاب به صورت مستقیم به جنگ ۳۳ روزه می پردازد و دوسوم حجم کتاب در آن ۳۳ روز می گذرد و عدد ۳ هم که به صورت جدا نگارش شده است اشاره به سه شخصیت برجسته درون داستان حاج قاسم سلیمانی، عماد مغنیه و شخصیت اصلی کتاب که فردی به نام امید است و کل ماجرای داستان حول این سه شخصیت شکل می گیرد.

این نویسنده با اشاره به شخصیت اصلی داستان و موضوع آن، اظهار کرد: امید شخصیتی دانشمند و فارغ التحصیل مقطع ارشد در رشته الکترونیک از دانشگاه صنعتی شریف است و بعد از دریافت مدرک تحصیلی خود قصد دارد کارهای بزرگی در داخل کشور به جای مهاجرت از آن انجام دهد به همین دلیل با بحران بیکاری روبه رو می شود و در این مسیر و طی صحبت هایی با دایی خود با سپاه قدس آشنا می شود و سردار سلیمانی را ملاقات می کند که زمان آن به دهه ۷۰ و سال ۱۳۷۹ برمی گردد.

وی افزود: در قسمت جنگ الکترونیک حاج قاسم به او پیشنهاد می دهد که ما نیاز به رشد و ترقی داریم. همان طور که می دانید ما در آن زمان از نظر موشکی و پهپادی در سطحی که الان در آن هستیم، نبودیم و از دشمن بسیار عقب تر بودیم. این داستان تا سال ۲۰۰۶ ادامه می یابد و تا هفت سال بعد از استمرار فعالیت های شان با جنگ ۳۳ روزه تلاقی پیدا می کند و کل داستان از زبان امید، شخصیت اصلی کتاب و در شیوه اول شخص مفرد روایت می شود.

این نویسنده درباره منبع اصلی خود برای نگارش کتاب «سی و ۳» تصریح کرد: منبع اصلی این کتاب سخنرانی های شهید حاج قاسم سلیمانی و سید حسن نصر... است و شخصیت امید هم کاملاً ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است و کل روایت های مستندی که در دسترس داریم از زبان امید به عنوان یک شاهد روایت می شود.

برنامه جلد دوم هر هفته دوشنبه ها ساعت ۱۸ به صورت زنده از ketab.tv پخش می شود.



در نشست معرفی و بررسی کتاب «سرباز قاسم سلیمانی» مطرح شد

## خط شکنی در «خط مقدم»



مقصود با آقایان رحیمی، گلعلی بابایی و... مذاکراتی برای تهیه محتوا صورت دادیم. همچنین علاوه بر کار در تهران، یک نفر از پژوهشگران نیز به کرمان رفت تا در نهایت یک کار اساسی درباره شهید سلیمانی صورت گیرد. در واقع ما می خواستیم به یک ابرروایت برای این شهید بزرگوار برسیم. در تمام پرونده های خط مقدم اعم از فرماندهان، رزمندگان و... اکثر شهید سلیمانی را دیده بودند و این ما را به هدف مان یعنی استخراج یک ابرروایت از شهید سلیمانی می رساند. به طور کل یک تیم ۲۰ نفره در مناطق مختلف محتواهای مربوط به سردار را گردآوری کرد که همه آنها در اختیار آقای رحیمی قرار گرفت. از سوی دیگر گفت و گوهای شهید سلیمانی نیز جمع آوری و این حجم از محتواها تبدیل به کتابی ۶۰۰ صفحه ای شد.

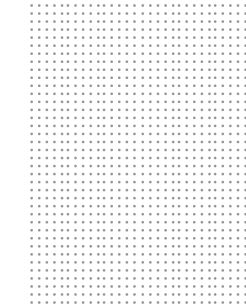
## خط شکنی در «خط مقدم»

گلعلی بابایی نیز در این نشست ارزیابی خود از کتاب سرباز قاسم سلیمانی را این چنین مطرح کرد: خط مقدم واقعا درباره انتشار برخی از آثار خط شکنی کرده است و ما نمود آن را در جشنواره مقاومت دیدیم که اکثر برگزیدگانش مربوط به آثار این انتشارات بودند.

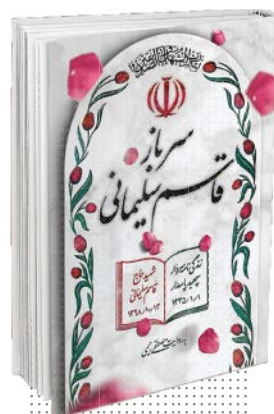
وی با بیان این که خاطرات حاج قاسم هیچ گاه به صورت مفصل بیان نشده است، افزود: معمولاً بیان می شود چه لزومی دارد که مردم بدانند ما در کشورهای دیگر چه کرده ایم؟ اما خوشبختانه خط مقدم تلاش کرده این خط شکنی را صورت دهد. برای تولید کتاب قوی، نیازمند محتوای قوی هستیم وگرنه نویسنده به آن آب می بندد.

مصطفی رحیمی تجربیات این سال های خود را در مقام محقق، نویسنده و... جمع و این کتاب را تدوین کرده است. سرباز قاسم سلیمانی علاوه بر فشرده بودن، جامعیت اطلاعات درباره حاج قاسم را دارد. بخش جنگ کتاب محتوای کمتری دارد، چون دسترسی به منابع میسر نبوده است. می شد بخش مربوط به خانواده را با جامعیت بیشتری تدوین کرد. این کتاب سرشار از اطلاعات و مستندات است و زبان روان و سلیسی دارد و اشاره های و استنادات تاریخی اش به مخاطب اطمینان خاطر می دهد. نبردهای حاج قاسم از زبان او و دیگران به خوبی تشریح و مخاطب اقتاع می شود که حاج قاسم هیچ گاه کم کاری نکرده است. بنابراین در ابعاد مختلف زندگی حاج قاسم اطلاعات کپسولی به دست مخاطب می رسد و نسبت به سایر آثاری که درباره ایشان منتشر شده و به هزار عنوان می رسد قابلیت ترجمه به زبان های دیگر را دارد.

بابایی ادامه داد: مقام معظم رهبری روی صد برابر شدن آثار دفاع مقدس تأکید داشتند، ولی بعداً بیان کردند که آثار بی کیفیت چاپ نشود. این میزان کتاب بی کیفیت به ادبیات دفاع مقدس لطمه زده است. این شکل از حفظ ادبیات باعث شده کارهای جدی لطمه بخورد و آنها حتی دیده هم نشوند.



## سوتیتر



نشست معرفی و بررسی کتاب «سرباز قاسم سلیمانی» با حضور حجت الاسلام هادی شیرازی و گلعلی بابایی در سرای کتاب برگزار شد.

حجت الاسلام شیرازی، مدیر انتشارات خط مقدم در این نشست درباره این کتاب گفت: فعالیت های انتشارات خط مقدم فقط حوزه سوریه را دربر نمی گیرد و ما درباره عراق، لبنان، سوریه و افغانستان هم آثاری را منتشر کرده ایم. به تازگی هم درباره یمن کارهایی را آغاز کرده ایم. آثار دیگری هم درباره جبهه مقاومت، نقش جمهوری اسلامی در آن و موضوعات مختلف دفاع مقدس در دستور کار داریم.

وی افزود: در مسیر پژوهش، تحقیق و تالیف درباره ادبیات مقاومت طبعاً سختی های بسیاری وجود دارد که شامل موارد مختلفی می شود؛ چنان که در کتاب سرباز قاسم سلیمانی با فرماندهانی مصاحبه شد که در نقاط مختلف جبهه مقاومت در حال خدمت بودند و این کار با دشواری بسیار به سرانجام رسید.

## مسیر تولید «سرباز قاسم سلیمانی»

مدیر انتشارات خط مقدم ادامه داد: نویسندگان برجسته ادبیات دفاع مقدس مشخص هستند و این کتاب از این جهت که توسط قله های این حوزه کار شده، مهم است اما این طور نیست که همه اطلاعات و ناگفته ها در آن باشد. ما از دانشگاه رفتن، دیدار با فرماندهان عراقی، دیدار با فرماندهان قدیمی افغانستان و... شهید سلیمانی اطلاعات دقیقی نداریم. حجم کاری که برای ایشان انجام شده، بسیار است اما هنوز ناگفته هایی وجود دارند. بنابراین کتاب های موجود و پژوهش های صورت گرفته نمی توانند تمام ابعاد شهید سلیمانی را پوشش دهند.

## تلاش کردیم خط قرمزها رعایت شود

هادی شیرازی اضافه کرد: در مسیر کسب مجوز چنین کتاب هایی مشکلاتی وجود دارد اما مجموعه های مرتبطی که این کتاب را دیدند همکاری مناسبی با ما داشتند. تصور من این بود که این کتاب مجوز می گیرد، چرا که تلاش کردیم خط قرمزها رعایت شود. این کتاب یک اثر زنده است و قرار نیست این مسیر در همین سطح بماند. امیدوارم هر دو سال یک بار بتوانیم اطلاعات تکمیلی به کار بیفزاییم و در ویراست های جدید آن را منتشر کنیم.

شیرازی در بخش دیگری از این نشست با بیان این که کتاب سرباز قاسم سلیمانی با نگاهی فرا جناحی نوشته شده است، گفت: ایشان شخصیتی بین المللی بودند. وقتی قرار شد چنین اثری تولید شود، از بدو شروع نگارش کتاب تلاش ها همه در مسیر جمع کردن خاطرات از فرماندهان تا سربازانی که با ایشان در ارتباط بودند، پیش رفت. تلاش کردیم کیفیت و اهمیت کار حفظ شود. روزهای اول مصاحبه های مفصلی توسط آقای میرزایی صورت گرفت و بعد این مسیر ادامه یافت. این حین کار هم سعی شد پرونده شهید را با افراد مختلف دنبال کنیم. برای رسیدن به این



آگهی

نقد

یادداشت

گزارش

گفت و گو

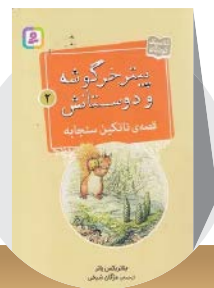
شماره ۲۴۲ | سه‌شنبه؛ ۲۶ دی ۱۴۰۲ | ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم



## جلد دوم «تاریخ شفاهی ما جرای علامه و انقلاب»

جلد دوم از مجموعه «تاریخ شفاهی ماجرای علامه و انقلاب» نوشته رضا اکبری آهنگر و وحید خضاب از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شد. دفتر اول از کتاب «بررسی صریح ماجرای علامه و انقلاب: تقابل یا حمایت؟» به پژوهش تاریخی تبیینی درخصوص نسبت علامه و انقلاب اختصاص دارد. محور این کتاب، پاسخ به شبهاتی است که از سوی چند نفر از محققان معاصر درخصوص این موضوع مطرح شده است. بعضی از این محققان مانند دکتر دینیان درصدد القای شبهه نبوده‌اند و برداشت ناصواب از برخی خاطرات آنان موجب پیدایش شبهه شده است. برخی‌ها مانند مرحوم حکیمی تنها به نقل شایعه‌ای بسنده کرده‌اند و همین شایعه بستر ساز ایجاد شبهه در خوانندگان شده است. برخی‌ها مانند دکتر سید حسین نصر و استاد سید مصطفی محقق داماد خاطراتی (مستقیم یا غیرمستقیم) از علامه نقل کرده‌اند و این خاطرات، شبهاتی را در ذهن خواننده رقم زده است. در کنار همه آنان، محسن کدیور با دسته‌بندی این خاطرات و شایعات و دسته‌بندی برخی موارد مبهم موجود در دیگر کتب تاریخی، صورت‌بندی جامعی از موضوع عرضه کرده است. اما این کتاب تحقیقی، به شبهات مطرح‌شده پاسخ می‌دهد و رابطه علامه طباطبایی با انقلاب اسلامی را به درستی و بر مبنای اسناد روایت می‌کند. رضا اکبری آهنگر و وحید خضاب، نویسندگان این مجموعه در دفتر دوم تلاش کردند به بخش دیگری از شبهاتی که در سال‌های اخیر درباره علامه طباطبایی به وجود آمده، به وسیله مستندات و گفت‌وگو با نزدیکان علامه پاسخ دهند.

نویسنده: بئاتریکس پاتر  
انتشارات: قدیانی  
قیمت: ۴۵ هزار تومان



**سردبیر:** میثم رشیدی مهرآبادی  
**مدیر هنری:** حمیدرضا خاتونی  
**صفحه‌آرا:** مجتبی دهقانی  
**جلد:** سپهر سهامی فرد  
**ویرایش عکس:** زرناز حسینی  
**ویراستار:** اکبر فکری

**همکاران این شماره:**  
طاہره مشایخ، فاطمه رستمی،  
رایحه رضائی، رضا شعبانی،  
مجید عمیدی، سعیده  
اسدالهی، آرش فهیم و  
زینب گل محمدی

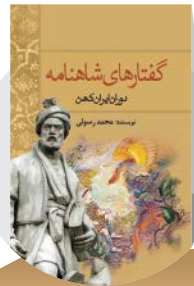
ویرترین  
۲۴۲  
ضمیمه کتاب | ۲۶ دی ۱۴۰۲

تاریخ فقط قصه و داستان رویدادهای گذشته نیست که فایده‌ای نداشته باشد. تاریخ گذشته به انسان امروزی شناخت می‌دهد. باین شناخت و بینش، می‌توان فردا را پیش‌بینی کرد و بالاتر از آن، می‌توان آینده را به درستی ساخت. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، شرح تاریخ سیاسی اجتماعی گذشته ایران است؛ یعنی تاریخ است. چون تاریخ علمی مفید است، مطالعه دقیق شاهنامه هم سودمند است. وانگهی شاهنامه غیر از مطالب تاریخی دارای ابیات حکیمانه و نیز مطالب گوناگونی است که در جهات مختلف، مفید است و پرداختن به این کتاب ارجمند، کاری لازم و سودمند است. در این کتاب از قسمت تاریخ ایران در عهد کهن (پیش از باستان) گفتارهایی مفید و به اختصار تقدیم خوانندگان شده است.



این رمان کودکانه قصه ناتکین سنجاه از مجموعه «پیتر خرگوشه» است. این کتاب داستان سنجاهایی است که در جزیره جغد فندق جمع می‌کنند. هر روز برای آقای براون یعنی جغد پیر، پیشکشی می‌آورند. ناتکین، چون دردسرساز کوچک عجیبی است، چیزی نمی‌آورد و در عوض مدام بالا و پایین می‌پرد و معما می‌پرسد. در سال ۱۸۹۳، بئاتریکس پاتر شنید که پسر پنج‌ساله یکی از دوستانش، آنی کارتر مور به نام نوئل، پس از بیماری در حال بهبودی است. پاتر تصمیم گرفت که پسر را با نامه‌ای مصور سرگرم کند. او با در نظر گرفتن خرگوش خانگی خود به نام پیتر پایپر، داستان بسیار کوتاهی نوشت «درباره چهار خرگوش کوچک» و آن را در نامه به تصویر کشید.

نویسنده: دکتر محمد رسولی  
انتشارات: سبزان  
قیمت: ۲۰ هزار تومان



نویسنده کتاب «آستان قدس رضوی و نوسازی جهادی هویزه»:

## هدف ما آگاهی بخشی به مردم بود

مجموعه ۲۰ کتاب در نظر گرفته شده به بازسازی هویزه اختصاص یافت. نویسنده «آستان قدس رضوی و نوسازی جهادی هویزه» افزود: اولین اثر از این کلان پروژه به بازسازی هویزه اختصاص یافت که با اهتمام آقای دکتر قراملکی، ریاست بنیاد پژوهش‌ها این کتاب پس از انجام تحقیقات و مصاحبه‌ها منتشر شد. وی با اشاره به همکاری مرکز اسناد آستان قدس و استفاده از خاطرات ثبت شده در آن مجموعه اظهار کرد: ۲۰۰ هزار برگ سند اداری، مالی، اعزام و دیگر مسایل در اختیار ما قرار گرفت. همچنین خاطرات ۴۰ نفر که ۸۰ ساعت مصاحبه ضبط شده بود برای تکمیل کار مورد بهره‌برداری قرار گرفت. با برخی افراد در هویزه، اهواز، تهران و مشهد مصاحبه‌هایی انجام شد. علاوه بر این از اسناد مطبوعات هم استفاده شد.

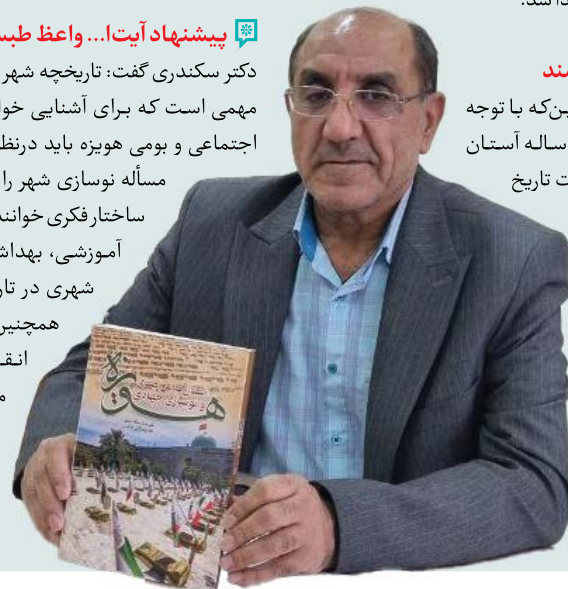
پیشنهاد آیت‌ا... واعظ طبسی

دکتر سکندری گفت: تاریخچه شهر هویزه یکی از بخش‌های مهمی است که برای آشنایی خواننده با هویت فرهنگی، اجتماعی و بومی هویزه باید در نظر گرفته می‌شد تا بتواند مسأله نوسازی شهر را بی‌پایان کند. به عبارتی باید ساختار فکری خواننده را درباره مراکز فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و در کل جغرافیای شهری در تاریخ واکاوی می‌کردیم و همچنین شرایط هویزه بعد از انقلاب اسلامی نیز تبیین می‌شد تا خواننده را برای مطالعه اثر آماده می‌کردیم. وقتی در سال ۱۳۶۱ هویزه آزاد شد، تولید

پانزدهم دی ماه و همزمان با چهل و سومین سالگرد شهادت دانشجوی بسیجی، شهید محمد حسین علم‌الهدی و یارانش، مراسم یادبود شهدای دانشجو در محل یادمان شهدای گران قدر برگزار شد. در این مراسم که با حضور امام جمعه اهواز آیت‌الله موسوی جزایری و استاندار خوزستان به همراه شخصیت‌های لشکری و جمعی از مسئولان استانی برگزار شد، ضمن پاسداشت مقام شامخ شهدای هویزه از کتاب «آستان قدس رضوی و نوسازی جهادی هویزه» رونمایی با حضور نمایندگان آستان قدس و نویسنده کتاب رونمایی شد. دکتر علی‌جان سکندری، نویسنده کتاب، محقق و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با بیان این خبر گفت: همزمان با رونمایی از کتاب و حضور خادمان امام رضا (ع) در جمع مردم هویزه، ۴۰۰ عنوان کتاب از انتشارات آستان قدس به مردم این شهر اهدا شد.

دویست هزار برگ سند

دکتر سکندری با بیان این‌که با توجه اهداف و چشم‌انداز ۲۰ ساله آستان قدس رضوی، به دنبال ثبت تاریخ شفاهی مجموعه بودم، گفت: برای شفاف‌سازی اقدامات آستان قدس در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، ورزشی و عمرانی آستان در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به نگارش کتاب کردیم. اولین اثر از



فقید آستان قدس رضوی مرحوم آیت‌ا... واعظ طبسی پیشنهاد بازسازی هویزه را به امام خمینی (ره) مطرح کرد، حضرت امام فرمودند که چه ارگانی بهتر از آستان قدس که این امر مهم را انجام دهد. سکندری با بیان این مطلب افزود: صبغه فرهنگی و مذهبی این مجموعه باعث شد تا آستان قدس به بازسازی هویزه اقدام کند. از طرف دیگر مردم مطلع نبودند که آستان قدس در زمان جنگ اقدام به ساخت یک شهر با زیرسازی شهری، خیابان‌کشی، اجرای طرح آگو (که در آن زمان هیچ شهر خوزستان نداشت) و ساخت ۲۰۰۰ واحد مسکونی از ۱۵۰ تا ۳۰۰ متری با توجه به تعداد افراد خانوار کرده است. بنابراین تالیف این کتاب می‌توانست خدمات آستان را برای مخاطب به تصویر بکشد.

وی به اهمیت بیان خدمات آستان قدس به مردم اشاره کرده و گفت: بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب گذشته و متأسفانه کمتر به بیان خدماتی که آستان مقدس امام رضا (ع) در ابعاد مختلف فرهنگی و عمرانی انجام داده، پرداخته شده است، لذا ضرورت دارد تا برای روشن شدن اذهان مردم این خدمات مکتوب و ماندگار شود. دکتر سکندری تأکید کرد: اگر مردم نسبت به خدمات صورت‌گرفته آگاهی یابند، انگیزه آنان برای انجام وقف و نذر بیشتر می‌شود. مردم باید اطلاع یابند که مدارس مناطق محروم، استخر و سالن‌های ورزشی در حاشیه شهر، کتابخانه‌های متعدد در شهرهای مختلف توسط آستان بنا شده است.

وی با بیان این‌که در بخش مهمی از کتاب به چگونگی ساخت و ساز شهر، دقت مهندسان در ساخت سازه‌ها و تلاش برای بنای شهری مقاوم و بومی اشاره کرد و گفت: هدف ما از بیان این بخش این است که مردم از اصولی بودن ساخت شهر آگاهی پیدا کنند. وی ادامه داد: به همراه همکارم دکتر غلامرضا آذری خاکستر تلاش کردیم تا با اعتبارسنجی، ضد و نقیض‌های احتمالی در مصاحبه‌ها به حداقل برسد. البته در این زمینه از همکاری بنیاد بهره‌وری موقوفات و مرکز اسناد و کتابخانه‌های آستان قدس رضوی بهره‌مند شدیم. امیدوارم با همت مجموعه‌های همکار بتوانیم به زودی کتاب به دست عموم مردم برسد.



سوتیتر

